

قیام ایران

زیر نظر شورای نویسندگان

ارگان مرکزی نهضت مقاومت ملی ایران

هادی یزاد

هیاهوی عقده‌گشایی

وسالنا مه‌ورس‌له، هر صبح و عصر در پیشخوان روزنامه‌فروش‌ها انبیا ز می‌شود یا دی از صدق‌نیا مدوا این درحالی است که هر روز هفته‌ی سال بنا مناکس و بی‌سروپا‌ئی چون "آخوند دستغیب" و یا عربده‌جوو آدم‌کشی چون "نواب صفوی" در تقویم رژیم با عزت و اکرام رقم‌خورده است. و اما شنیدنی است که اگر در قلمرو ولایت فقیه نام‌ویا دا ز صدق و به "مصلحتی تا بسل درک" حکایت از چند و چون آن واقعه تحریم شده است، معلوم نیست جماعتی را (خاصا سال) چه بوئی به مشا مرسیده و چه "رو‌یایی" از خواب پرا نده است که سرا سیمه‌پیله‌ها را دریده و به جبران سکوت و فترت ۹ ساله با ردیگر، حمله و ناسزا به صدق و تجلیل از آن حادثه‌ی "مدا لبت‌ه بسیا رملی و میهنی" را از سر گرفته‌اند!

بقیه در صفحه ۲

از رادیو ایران

تسلیمات دروغ

مجله معروف "اکنون میست" چاپ لندن تصویری از تالیقی کوچک در خلیج فارس چاپ کرده که مسلسلی بر آن سوار کرده‌اند و چند نفری در آن نشسته‌اند، مجله‌ها نا مبرده شرح این تصویر را چنین می‌نویسد: یک قایق، یک مسلسل و پنج پاسدار اسلامی مسای است با یک نیروی دریایی.

با این "نیروی دریایی"، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نه تنها می‌خواهد امنیت خلیج فارس را حفظ کند، بلکه بر آن است که قدرت‌های بزرگ نظامی جهان را، یکی پس از دیگری - بلکه هم‌یکجا - به دیار نیستی بفرستد.

البته در این باب میان کارگردانان رژیم اسلامی توافق کامل وجود ندارد.

بقیه در صفحه ۱۰

مصاحبه روزنامه‌الهدیه‌بیا

دکتر شاپور بختیار

در صفحه ۱۰

امسال هم مانند سال‌های گذشته جمهوری آیت‌الله، با سکوت محض، سالگرد کودتای مردا در پشت سر گذاشت. و نیز در هیچیک از برنام‌های رادیوئی و تلویزیونی و در هیچیک از این "بخشنا‌های" یک‌دست و بیشمار که به نام روزنامه و مجله هفته‌نامه و ماهنامه حسینعلی مشکان

شرعی یا ارضی؟

کیک را که در بین عوام "کک" تلفظ می‌شود اگر نه پیله‌ها بشید لایدا سمش یا وصفش را شنیده‌اید. حشره‌ی است کوچک، با اندازه شیش، که بال ندارد ولی چون پاهای عقبش بلند است به چالکی از جایی به جایی می‌جهد. به همین جهت نام در حال جست و خیز است و به آن‌ها شکار نمی‌شود. می‌زنند و می‌جهد و تا انسان بخودش بچسبند این حشره خون آشام بی‌انصاف چند نقطه بدن را گزیده و گریخته است.

ضرب‌المثل معروف "کک‌توی تنبان کسی افتادن یا انداختن" اشاره به همین معنی است. حکیم سنا می‌گوید: حذر آنکه کنی که در رفتند ریگ در کفش و کیک در شلوار آن وقت‌ها که مردم شلوارهای پاچه‌گشاد می‌پوشیدند و کیک هم‌زیاد بود وقتی یکی از این کیک‌ها بدرون شلوار کسی راه می‌افتاد آن‌ها را می‌برید و هر آن‌ها هم‌خوشتن دارومباید آداب بود به رقاصی و آرایش می‌کرد.

تعجب‌خواهید کرد اگر بشنوید نام‌های پف‌کرده‌ی که خا نم‌های درباری و اشرافی فرنگستان می‌پوشیدند و تا او خرقن نوزدهم معمول بود به علت مزاحمت‌های همین حشره‌گزنده یعنی "کیک" ابداع شد. نوع هیژ و نان‌جیب کیک‌ها در دیار فرنگ بیشتر علاقه‌داشت به‌زیرا مان‌خان‌ها برودتا توی شلوار آقایان و خودتان می‌توانید حدس بزنید هنگامی که در مجالس مجلس

بقیه در صفحه ۱۲

دغل دوستان نیز پراکنده می‌شوند

موسی صدر روشن شود، ولی مسأله آقای موسی صدر روشن نگردد و کار جمهوری اسلامی با لیبی راست آمد. بقیه در صفحه ۲ سعید رضوانی

بازی ابلهانه

فرق تما ربا زنا شی و تما ربا زما هـ ای نیست که تما ربا زما هر، چه در باخت وجه در برید، بر اعما پیش مسلط است و بازی غلط نمی‌کند. در حالی که تما ربا زنا شی حتی وقتی شانس با اوست و ورق‌های برنده در دست دارد از قرض دستپا چکی، ورق‌های خوب را بدبازی می‌کند و در نهایت با سر با زنده می‌شود.

در سیاست هم‌قاعده چنین است. با زیگران طمعکار و ناسی، فرصت‌های خوب را با بازی‌های احمقانه از دست می‌دهند و هنگامی که روی دنده باخت می‌افتند بازی‌هایشان احمقانه‌تر می‌شود.

نمونه‌اش بازی گروگان‌گیری است. در لبنان هم بازی گروگان‌گیری خاریجان با فضا حتی مانند گروگان‌گیری تهران روبه‌پایان می‌رود و جمهوری اسلامی بقیه در صفحه ۴ بهمن خجسته

راءت دادگاه انقلاب!

حجت‌الاسلام والمسلمین محمدی ریشهری وزیر اطلاعات در ۲۳ آذر ۶۵ در مصاحبه‌ای شرح داد که احمدکاشانی، مهدی‌هاشمی و ۴۰ تن از همدستانش و چند سوس‌خارجی چگونه و چرا با زداشت شدند. وی در مورد احمدکاشانی گفت که تا مبرده علاوه بر پخش شب‌نامه در ارتش، آنها مات دیگری نیز دارند.

پیش از این مباحثه، روابط عمومی همان وزارت‌خانه‌ها علام کرده بود که این شب‌نامه‌ها با "الهام زدا انقلاب در حساس‌ترین مقطع دفاع مقدس امت اسلام منتشر گشت و در این رابطه تاکنون به حکم دادستان‌های نیروهای مسلح، سید احمد کاشانی و چند نفر از دیگر نمایان‌های و دستگیر شده‌اند." بقیه در صفحه ۴

در اردوگاه عرب، جمهوری اسلامی دیگر یک همدست بیش ندارد: فقط سوریه برای آن مانده است. لیبی، دومین دوست به ظاهریا پیدار آن در میان کشورهای عربی، اینک از رژیم‌آخوندها روگردانده است. تهران، اگرچه هنوز از اکتشی نشان نداده، اما برقراری "مناسبات برادرانه" میان لیبی و عراق، آن هم هم‌زمان با سفر دبیر کل سازمان ملل متحد به تهران، بی‌شکست آشکارا ردیلم تیک برای جمهوری اسلامی است.

با وجود همه اختلاف‌هایی که میان قذافی و خمینی وجود داشت و دارد، لیبی برای رژیم تهران آنقدر اهمیت داشت که این اختلاف‌ها نادیده گرفته شود. اندکی پس از انقلاب اسلامی، هنگامی که سرگرد عبدالسلام جلومعاون قذافی به تهران آمد، خمینی گفت: کار ما با لیبی راست نخواهد شد، مگر آن که مسأله آقای

نادر نیک‌بین

خهینی و صلوب

آدم‌های شیاد و مردم خوشبای و رلازم و ملزوم یکدیگرند. اگر مردم خوشبای و رنبا شند، شیادها نیز با زارگری پیدا نمی‌کنند، ولی متأسفانه مردم خوشبای و همیشه بوده‌اند، و همیشه نیز خواهند بود. شیادها هم‌نبا ید همیشه زناشتن مشتری دلواپس با شند، خاصه درحالاتی که موج‌حساسات درجا معها خیزان است و خوشبای وری دست با لارا پیدا می‌کند. چه بسا ربودشمار آن‌کسانی که در آستانه انقلاب اسلامی برآستی با ورکردند که عکس خمینی را در ماه دیده‌اند و می‌اوراد لای قرآن پیدا کرده‌اند. و چه‌اندک است امروز شمار کسانی که به آن خوشبای وری نمی‌خندند.

آیت‌الله در آن روزها هیچ ضرورتی ندید که آن‌ها شیادها را تکذیب کند، به عکس دور و بریها و دستیارانش تعمدی‌داشتند که آن‌ها شیادها را بپراکنند. کاکلیو سترو شیاد و شعبده‌باز معروفی بود که با فریفتن مردم خوشبای و رشوروت کلانی بهم‌رسا نده بود.

بقیه در صفحه ۳

هیاهوی عقده‌گشایی

بقیه از صفحه ۱

نکته‌ی شنیدنی تر اینک تا چندی پیش، حضرات، در همان عالم خواب، هرگاه نامی از مصدق یا روایتی حتی بیطرفانه از کودتای مرداد به گوششان می‌رسید، در زیر بزرگ "خیبر" خواهی "زبان" اندرز" را بکار می‌انداختند که:

"آخو این چه وقت حکایت از این مقلوبه‌ها است؟ - چرا با یدیه مسائلی پرداخت که خواهنا خواه گمرویی را می‌رنجانند؟ - گذشته گذشته است - امروز روز همصدا می و همدلی است - نجات از جنگ عفریتی که هستی ما را به آتش کشیده مگر جز با همصدا می و همدلی میسر است؟ - معتقدات هر کس محترم است - فصل گفت و شنود هم‌خواهد رسید، تا آن زمان "گذشته" را با یدیه‌ها خود گذاشت و از هر چه با عث پراکنده‌گی است حذر کرد..."

این "مصلحت جوئی‌ها و خیر اندیشی‌ها" جای به ملح "دب" و تعبیرها و تمثیل‌های "حکیمان" نیز آمیخته بود.

وقتی می‌گفتیم: بیاییم محض عبرت و نه ملامت - برای پرهیز از این مصیبت‌های مکرر از خود بی‌برسیم سرنوشت آن حماسه‌ها و حماسه‌ها را بکجا رسید؟

چه پیش آمد آن ارتشی که قرا نربود "جز با نیروی اتمی در آید" به نفعی آخوندی درهم شکست که بیگفته‌ی هم "هرگز چنین نصرتی" را باور نداشت؟ و چه اتفاق افتاد آن قدرتی که بنا بود به خیزی اروپا را پشت سر بگذارد و بگذرد چنین آسان دود شد و به هوا رفت؟

جواب می‌دادند: همانگونه که "قلل کوه‌های سربلک کشیده را، نه از دانه‌ها بلکه از فاصله‌های دور می‌توان دید، جوهر شخصیت‌ها و حادثه‌ها را نیز تنها با گذشت زمان و در بعدتا ریخ می‌توان عیار زد. امروز روز مرافعه و جدل و با زخواست نیست - موسم همزبانی و همگامی است. قضاوت را به تا ریخ واگذارید..."

حالا با یدیا این اهل خیر و مصلحت سوال کرد:

چه پیش آمده است که از امروز تا فردا تا ریخ وزمان آب کشیده و کسوت‌ساز شده‌اند؟

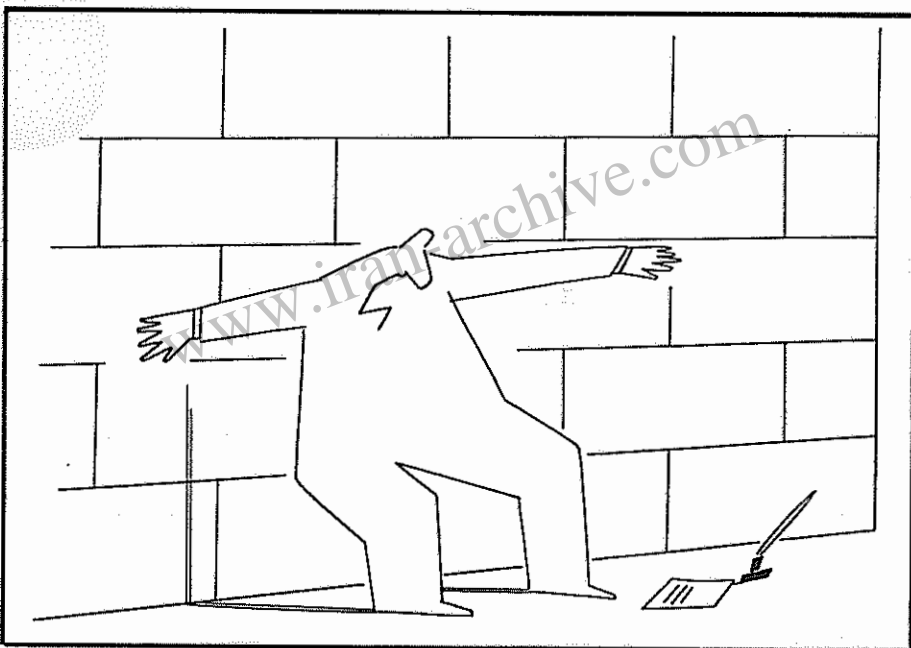
چرخ داده است که قوا ره‌های قضاوت و عیار زنی در حق مصدق و حکمیه "یکه تا زیبا" و "قانون شکنی‌ها" و "خود مختاری‌های" او نیز "عقده‌گشایی" نسبت به "ضد کودتای ۲۸ مرداد" و نه "کودتا" و تجزیه و تحلیل درباری آن واقعه "مدال بسته ملی و میهنی" و نه دست بخت "ایران پرستان نامدار" یعنی آقایان "کرمیت روزولت" و "وودهاوس"، ناگهان در قالب تاریخ جا افتاده است؟

چهره‌ی داده است که بی مقدمه آشنا کردن مردم به چگونگی پیدایش روز ۲۸ مرداد "بعنوان" یک وظیفه ملی "با چنین فوریتی جواز تا ریخ گرفته است؟ حرفی نیست - این گوی و این میدان - "وظیفه ملی" را حقا "نبا ید فرو گذاشت، منتهی چون "پای تحقیق و تجسس" در

میان است و لابد مصلحت‌ها جلی در میان بوده که تا ریخ هم کار خود را جلو انداخته است. از آنجا که "ما دق و بی غرض" و مخصوصا "آنها که به اعتراف خود" دستي هم در کار داشته‌اند" باید خواست که قبل از ورود به عرصه "تحقیق" و "روشنگری" و "عقده‌گشایی"، برای آگاهی افکار عمومی "جزئیات" تا روشنی را در باره "واقعه ۲۸ مرداد" روشن کنند که متاء سفا نه (چه بسا بنا بر مصلحتی) در انبوه کتابها و رساله‌ها دست اندر کاران دست اول ما چرا و حتی در اسناد محرمانه‌ی وزارت امور خارجه‌ی انگلستان که بر طبق رسم پس از گذشت سی سال جواز نشر یافته، همچنان معطل مانده است.

می‌کنیم. این بخش مربوط به عواملی است که زمزمه قطع رابطه با انگلیس، وودهاوس را از باب مشکلاتی که این امر احتمالاً در ارتباطات او پدید خواهد آورد، نگران ساخته است، می‌نویسد:

"... و اما بخت یا رمن بود - روزی یک صاحب منصب عالی رتبه دولت مصدق به سفارت آمد (سفارت انگلیس در تهران) مدعی بود اطلاعات موثقی دارد و می‌تواند آنها را در اختیار ما بگذارد. این شخص از مدیران یکی از روزنامه‌های مهم و مؤثر بود. از رفتن او و خوبی درک می‌شد که عمل خود را به هیچ وجه قبیح نمی‌داند. ما ننداکثرا پیرانیا ن معتقد بود که در ایران هیچ کاری جز به خواست



انگلیسی‌ها انجام پذیر نیست. می‌گفت در تهران با و رعمومی این است که مصدق را انگلیسی‌ها سرکار آورده‌اند و چون میدانند که با لایسکا آب‌سازان دیگر سود بخش نیست به این تدبیر خواسته‌اند نفت را ملی و در از آن با گرفتن غرامت زیان خود را جبران کنند و نتیجه می‌گرفت حالا که هر کاری به تصمیم و نظر شما بسته است، پس بهتر است از وقتی که در داخل دولت مصدق می‌گذرد با خبر باشید و این مسلمان در تصمیم گیریه‌ای شما بسود هر دو کشور خواهد بود..."

وودهاوس در صورتی توضیح میدهد که چطور این "خدمتگزار شریف" را (بدلیل پاره‌ای ملاحظات امنیتی) با نام مستعار "عمر" به خدمت میگیرد و اضافه میکند:

"عمر که به جای وزیر مستعفی‌اش، در کابینه شرکت میکرد، هر هفته دو تا سه بار با من ملاقات داشت و اخبار دولت مصدق را گزارش میکرد و همین اطلاعات دقیق و واقعی او بود که بر ما مسلم ساخت، تا زمانی که مصدق در میان است، اختلافات موجود به راه حل منصفانه‌ای نخواهد رسید."

یکی از آن موارد "جزئی و نا روشن" که

پیدا است عمدا "از زیر قلم و وودهاوس پربیده‌ها موقعی بن خیرچین یعنی "آقای عمر" است و دستیا بی به آن (که ظاهرا "نیازی هم به کوشش و کنکاش ندارد) عمدتا "وظیفه‌ی کسانی است که اولاً" بقول خود "دستی در کار داشته‌اند" و ثانیاً "به" بیان آنچه برستی گذشته است "ا صرا می و رزند. البته ما هم، حالا که بحث با زشتی کودتا و با به قول حضرات "ضد کودتا" به نحو گسترده‌ای مسئله‌ی روز شده است از سهم خود در این راه دریغ نخواهیم کرد.

و اما در رابطه با روش ملاحه (سکوت محض) و اسلوب طرفداران "عقده‌گشایی" سئوالی مطرح میشود که کدا می‌یک به زیرکی و فراست آمیخته است؟ به تحقیق، روش ملاحه، از هر جهت هوشمندانه‌تر است، چرا که گروه دوم در کوشش مصدق و تبرئه‌ی کودتا در حال و هوای دست به کار شده‌اند که دسترسی به مثل کتابها و رساله‌ها و اسناد و مدارک معتبر در این زمینه فوق العاده آسان است و طبیعا "راه را به روی هرگونه جنجال و شعاری بندد.

ولی خمینی و ملاحه‌ی با منبریش خاصه پس از آنکه با آن هجوم عظیم بی‌ساز از یک میلیون مردم پایتخت برای زیارت مزار مصدق و بیرو شدند - بی درنگ به حربه‌ی مرسوم خود یعنی سرکوب دست بردند و بدنبال آن، پیر مرد با چند فتوای بی دربی که:

"ملی‌گرائی، اساس بدبختی ما است و اینها نقشه‌هایی است که مستعمرین کشیده‌اند. درکنگره‌ی آزادی قدس ۱۸ مرداد ۵۹ - ویا" از مسائلی که طراحان استعمار و عمال آن‌ها طرح کرده‌اند و تبلیغ میکنند یکی همین قومیت و ملیت است" - پیام بمناسبت فصل حج ۲۱ شهریور ۵۹.

وفتای دیگری از این قبیل سرورته موضوع را بهم آورد و دیگر چندان با پی آن نشد و حالاهم که مدتی است قصه "امت" را کنار گذاشته است و هما نظور که استالین در جنگ جهانی دوم و در زیر توپها می‌کشد به سوی مسکو پرتاب میشد، ناگهان توسل به "میهن سوسیالیستی" را خوا ب نما شد، و هم لاف از "ملت و وطن" را سر داده است.

اما زیرکی آخوندها در انتخاب (سکوت محض) اساسا "آنجاست که میدانند اگر پیش از اندازه مطلب را بشکافند و حوا دث آن سالهای متجر به کودتا را زیر و رو کنند، تا خواسته‌ان داغ تنگی که بر چهره‌ی خود پنهان کرده‌اند آفتابی خواهد شد. زیرا هستند بسیاری که بخاطر می آورند چگونه "پیشتران نهضت اسلامی" اوحی به مراتب بیش از کارگردانان اصلی (نظیر زهنسرو و وودهاوس و کرمیت روزولت و ارنست پرون، دوست سوشی شاه فقید) در اجرای طرح کودتا دست داشته‌اند.

پیر مرد و حوا ریون او با خبرند که فراوانند کسانی که می‌دانند نشریات گروه تروریستی فدائیان اسلام (که خمینی خود نیز با آنها پیوند داشت)

دغل دوستان نیز

پراکنده میشوند

بقیه از صفحه ۱

در کنا ردمشق، طرابلس غرب هدف دلخواه مسافرت سرکردگان جمهوری اسلامی بود. خامنه‌ای، رفسنجان‌نی، میرحسین موسوی، موسوی اردبیلی، محمدعلی رجایی، علی اکبرولایتی، محسن رفیق دوست و بسیاری دیگر از گردانندگان پیشین و کنونی رژیم تهران به لیبی سفر کردند و خود را با سربلندی در کنا رقدای نشان دادند. حتی هنگامی که قذافی پارسل ناگهان به هرات رفت تا در کنفرانس غیرمتمعه‌ها یا وه‌ها بیگویی، هیچکس جز سیدعلی خامنه‌ای، او را تحویل نگرفت.

با آن که مناسبات نزدیک بالیبی یک گره ناگشوده در روابط رژیم تهران با حزب الله لبنان بود زیرا حزب الله قذافی را قاتل یا زندانبان موسی صدر می‌داند، جمهوری اسلامی هرگز ننگذاشت کارش با حاکم لیبی به تیسرگی بکشد. و اکنون از نشانه‌ها پیدا است که لیبی سرشته‌ها را کرده است.

بقیه از صفحه ۲

و مصالحه‌ها و بیامی‌های آیت‌الله سید ابوالقاسم کاشانی (که از عزیزان خمینی و رژیم محسوب می‌شوند) در ماه‌های قبل و بعد از کودتا با مصدق و نهضت ملی ایران و همدستی با کودتاچیان تا کجاها تاخته‌اند.

ذکر نمونه‌هایی از این جبهه‌گیری "اسلامی" برضد دولت ملی مصدق و در خط کودتایی مورده نیست.

نقل از نشریه نبرد ملت و بسته به گروه تروریستی فدائیان اسلام:

"... ای مصدق دروغگو! تو چه‌ری پلید خود را به دنیا و مسلمانان نشان داده‌ای - (بیست و یکم مرداد ۱۳۳۰ - دوسال قبل از کودتا)."

و با زامهان نشریه:

"خداوند به شاهنشاهی ایران می‌گوید: تو جویان منی، توما، مورمنی، مسیحای منی - هفدهم اردیبهشت ماه ۱۳۳۲ سه ماه قبل از کودتا."

و اما بعد از کودتا و همچنان از روزنامه‌ی نبرد ملت به سردبیری عبدالله کریا سچیان از معاونان نواب صفوی:

"دیروز تهران در زیر قدم مردانه‌ی افراد ارتش و ضا‌جنبی می‌لرزید. مصدق غول پیرخون آشام در زیر ضربات محوکننده‌ی مسلمانان استعفا کرد. حسین فاطمی خائن که از خطر گلوله‌ی برادران ما (فدائیان اسلام) نجات پیدا کرده بود، قطعه قطعه شد... کلیه مراکز دولتی به انتقام ملت و قشون اسلامی درآمد و جا سوسان و وطن فروشان و عمال حکومت خائن مصدق از ترس انتقام ملت به لانه‌های کثیف خود فرار کردند."

(روزنامه نبرد ملت ۲۹ مرداد ۱۳۳۲ یک روز پس از کودتا - تاکید بر کلمات

گردش قذافی به سوی عراق دلیل دیگری نیز در آن اینک قذافی دیگر برای رژیم خمینی آیتده‌ای نمی‌بیند، و او این قدر در ایت دارد که بداند نیاید آیتده‌ای خود را فدای یک رژیم بدون آیتده‌کند.

تغییر اردوگاه قذافی در مناسبات تهران - دمشق نیز تا شیره‌های نمایانی خواهد گذاشت. لیبی که گهگاه در اختلافات میان سوریه و جمهوری اسلامی پادرمیانی می‌کرد، دیگر از موقعیتی برخوردار نیست که بتواند چنین کند. نیز رفتن لیبی سبب شده است که دست رژیم تهران بیش از پیش به زیر سنگ حافظ اسد برود، زیرا هموست که تعیین می‌کنند رژیم تهران در منطقه کسی را داشته‌با شد یا کسلا" بی کس شود.

حافظ اسد، که حواس تیزی دارد، مسلمانان این را از نظر دور نمی‌دارد که فشارها که سبب شد لیبی تغییر موضع بدهد، اگر هم اکنون بر او و اردنیا مده‌با شد، دیریا زود او را رد خواهد داد. و نشانه‌ها حکایت از آن دارد که دمشق - آخرین دغل دوستان - نیز ممکن است در برابر فشارها، به دنبال طرابلس، رژیم بی‌آیتده‌ای آخوندها را رها کند.

هیاهوی عقده‌گشایی

... وضع خوبست و خطر برطرف شده، مصدق راه را گم کرده و مستحق این عاقبت بود... اما در مورد انگشت خا‌رجی، تا آن جا که من میدانم چنین چیزی نبوده، مصدق علیه شاه شورید و موقعیت و نفوذ شاه را در بین مردم فراموش کرد. شاه چها رماه قبل می‌خواست مصدق را عزل کند ولی من وساطت کردم تا این که وارد این نبرد شدیم و پیروز گردیدیم."

پس توطئه سکوت خمینی که در آن زمان از جیره‌خواران کاشانی و پیوستگان فدائیان اسلام بوده است، بی‌مناسبت نیست.

پیرمرد غافل نیست که کنکاش در ماجرا بیش از پیش به تأیید و تبلیغ ایمن واقعیت منتهی می‌شود که:

آنچه بدست او انجام شد با آونده‌های ستبرای آنچه در ۲۸ مرداد ۳۲ رخ داد، غذا گرفته، و از این رو ست که دست کم، در این باره و مخصوصاً "در قیاس با هیاهوی ناگهانی هواخواهان "عقده‌گشایی" زیرکی او را نباید و نمی‌توان انکار کرد.

بهر تقدیر، حال که توجه به موضوع گال کرده است ما هم بی‌شرمی بینیم که سهم خود را در این "عقده‌گشایی" ادا کنیم و صد البته به پیروی از کلام استاد سخن کسه فرمود:

سعیدیا چندا نکه میدانی بگو حق نباید گفت الا شکار

خوبی و صلوب

بقیه از صفحه ۱

این بود که در میان مردم شایع کرده بود که سید اسد را عمر کرده است. و مردم، برای آن که مطمئن شوند وی راست می‌گوید، موضوع را از نو کوش بررسیدند، نو کوش، که در رفتی دست کمی از ارباب نداشت، با قیافه‌ای معصوم اظهار بی‌اطلاعی کرد، گفت "نمی‌دانم، چون خودم بیش از صدسال نیست که در رم نوکری ایشان را می‌کنم!"

شاید آن همیشه برای بول به فریفتن مردم نمی‌بردازند، و سوسه بدست آوردن قدرت سیاسی، کوچکتر از سوسه کسب بول از راه‌های آسان و به خرج دیگران نیست، کاکلیوسترووه‌های سیاسی هم وجود دارند، نوکرانی نیز دارند که وجه مشترکشان با نوکسر کاکلیوستروا این است که همواره رفتاری خونا بندار با خود دارند، آنها به خمینی عمر سید اسد را ندادند، ولی دست به سوی آسمان گرفتند و با برقرآن نهادند که عکس خمینی را در ماه موی او را در زنی کتاب آسمانی دیده‌اند.

مادام که جمع خوناوران کثیر بود، آنان با زاری گرم داشتند، و اکنون که شما سرخوردگان بپوش آمده‌مدا م‌فروزی می‌گیرد، کارشان دشوار شده است. یک لطفه، رایج در ایران این است که مردی برای خریدن عکس خمینی به مغسارزه‌ای مراجعه کرد، صاحب مغسارزه با بت عکس با نژده تومانا مطالبه می‌کرد، حال آنکه مشتری نمی‌خواست بیش از ده تومسان بپردازد، او گرم جان نهدن بود که مشتری دیگری از دروازه و عکس حضرت مسیح را خواست، صاحب مغسارزه برای عکس مسیح با نژده تومانا طلب کرد، مشتری بی‌هیچ چک و چانه‌ای با نژده تومانا را داد و بی‌چنگ تومانا هم روی آن گذاشت، صاحب مغسارزه روبه مشتری ای که خواهان عکس خمینی بود کرد و گفت: ببین که این مرد چه راحت بولی را که برای عکس مسیح مطالبه کردم برداخت! مشتری نگاه می‌سده او انداخت و گفت: اگر تو عکس خمینی را هم در حالت مطلوب برای من بیاوری، من بیست تومانا که سهل است، هزار تومانا به تومی دهم.

عکس خمینی روزی در پندار مردم در ماه دیده می‌شد، و امروز آرزوی مردم این است که آن را مطلوب و به چهار میسوخ ببینند، دیگر کسی از دور و بریها تلاشی نمی‌کنند که برای رژیم اسلامی خمینی طرفداران تازه‌ای دست و پا کنند، آنها به همین قدر که طرفداران موجود به رژیم پشت نکنند، رضایت می‌دهند. اما جریان رویگردانی از رژیم خمینی همچنان ادامه دارد و باعث نگرانی سردمسانان حکومت تهران شده است.

بقیه در صفحه ۱۲

بقیه از صفحه ۱

یکبار دیگر بجایی رسیده است که خود را گروگان گروگان ها احساس می کند، بنا براین با زوار دزدوبندهای پنهانی شده است که یک چیزی هم بدهد و از شر گروگان ها خلاص شود.

استخلاص "چارلز گلانس" روزنامه نگار آمریکا طی شروع پرده آخرونیما پیش گروگان گیری در لبنان بود که با آزادی "آلفرد اسمیت" گروگان آلمانی ادا می افتد است.

داستان فرا چارلز گلانس را هیچکس با ورنکرده از همان ساعت اول که خبر رسید روزنامه نگار آمریکا طی از غفلت محافظان نشاء استفاده کرده و خود را از چنگ آنها رها نکرده و تحت حمایت سوریه قرار گرفته است، آشکارا بود که این فرا را از نوع فرارهای سینمایی است یعنی همای نظیر که سنا ریوی فرار را در فیلم های جاسوسی تنظیم و کارگردانی میکنند، درها "تصادفا" با زمانه و نگهبانان دنبال نخودسیاه رفته اند و خبرنگار آمریکا طی فرصت را مختنم شمرده و گریخته و خود را به نقطه امن رسانیده است!

بدیهی است که هرگاه سنا ریوی فرار، پیشا پیش در جریان زدوبندهای پنهانی تنظیم نشده بود نه نگهبانان غفلت می کردند، نه درها با زمی ماندن گروگان آنطور آسوده خاطر با یغرا می گذشت.

صرف نظرازان که همین سنا ریوی، در همین لبنان و در مورد یکی دیگر از گروگان های فرانسوی قبلا" به مرحله اجرا در آمده بود، تلگراف تشکر پرزیدنت ریگان به حافظ اسد و اعلام خیربای زگشت سفیر آمریکا به دمشق و از سر گرفته شدن روابط

بازی ابلهانه

دیپلما تیک آمریکا و سوریه، روشن کرد که چارلز گلانس را چه کسی رها نکرده اند. دوروز بعد از رها یی چارلز گلانس، سازمان جها سلامی "ویدئو کاست" جدیدی از دو گروگان فرانسوی - ژان بل کوفمن و ما رسل فونتن - برای خانواده آنها ارسال داشت. در این کاست روزنامه نگار و دیپلمات فرانسوی از این که دولت فرانسه نسبت به سرنوشته آنها بی اعتنائی نشان می دهد لب به شکایت گشوده در خواست کرده بودند در قبال آزادی زندانیان شیعه در اسرائیل و کویت، موجبات استخلاص آنها فراهم شود.

با آن که ارسال ویدئو کاست تاخیر، ظاهرا "جنبه اعلام خطر و تهدید داشت ولی بلافاصله هل فن تشخیص دادند که این نوار، متضمن پیشنهادهای ملسه از طرف گروگان نگیرهاست، خاصه آن که همزمان، حجت الاسلام و المسلمین هاشمی رفسنجانی در مصاحبه با یک روزنامه انگلیسی همین پیشنهادها را عنوان کرد و اعلام داشت در صورتی که اسرائیل زندانیان شیعه را هل جنوب لبنان را از زندان آزاد کند و دولت کویت رفتار بهتری نسبت به هفده تروریست زندانی در آن کشور پیش بگیرد، جمهوری اسلامی نفوذ خود را برای استخلاص گروگان های فرانسوی در لبنان بکار خواهد برد!

بیام روشن است: برای معامله حاضری

با کمترین قیمت!

ملاحظه میفرمائید که شروط معامله قدر تغییر کرده است. تا چند ماه پیش شرط استخلاص گروگان های فرانسوی این بود که دولت فرانسه سیاستش را در خاور میانه تغییر دهد و سلاح به عراق نفروشد. حتی این اواخر که قضیه وحیدگرچی رخ داد و سفارت جمهوری اسلامی در پاریس به محاصره در آمد جها سلامی تهدید کرده بود که اگر محاصره را بر نندازند و به وحیدگرچی اجازه خروج ندهند گروگان های فرانسوی زنده نخواهند ماند و دولتی این تهدید کمترین تا شیری نکرد و لاجمهوری اسلامی و مزدورانش در لبنان به اینجا رسیده اند که گروگان ها را با زندانیان شیعه در اسرائیل و کویت معامله کنند. همین شرط را هم گرانزما شد تعدیل میکنند چنان که در مورد زندانیان کویت، چون مطمئن نیستند موفق به استخلاص آنها شوند، شرط ملایمتری قائل شده اند و خواهانند نسبت به آنها "ملایمت" بشود!

داستان گروگان های آمریکا طی در تهران نیز به همین کیفیت خاتمه یافت.

آن زمان که دیپلمات های آمریکا طی دست رژیم آیت الله حکم ورق برنده را داشتند و جیمی کارتر را ضربه بزرگی استرداد آنها هرا متیازی بدهد، آقای خمینی ترجیح دادند پیشا ادا مه پیدا کنند زیرا می ترسید پس از آن که پسرده

افتاد و هم که ستاره نمایش بود فراموش شود. هنگامی که انتخابات آمریکا انجام گرفت و کارتر دیگر احتیاجی به گروگان ها نداشت و از آن طرف ریگان چمدان هایش را به کاخ سفید منتقل میکرد و تصمیم داشت دربار گروگانها به زبان زور با آیت الله صحبت کند تا گه ن تهران به او شینگتن چراغ سبز داد و صادق طباطبائی با پیامویژه اما مدوان دوان به آلمان رفت تا از طریق دوستش آقای "گنشر" به آمریکا طی اعلام کند هر وقت خواسته باشند میتوانند گروگان ها را تحویل بگیرند.

امریکا برای استخلاص گروگان ها چیزی به ایران نداد. سهل است که قرار دادشم آورا الجزایر را برگردان ایران گذارد. قرار دادی که در حد خود با قرار داد دنگین ترکمن چای قابل مقایسه است.

بر اساس قرارداد الجزایر، قسمتی از سپرده های ارزی ایران را آمریکا طی بلعیدند، باقی مانده آن هم بخاطر حقیقتنا سی از انگلیسی ها در بانک های انگلیس تودیع شد و الجزایر بی هیچ حق الزحمه خود را با بت این دلالتی سیاسی - اقتصادی از طرفین دریافت داشت.

در باره گروگان های اروپائی و آمریکا طی در لبنان نیز، تا زمانی که آنها ورق برنده بی محسوب میشدند، رژیم آیت الله همان بازی احقانه را تکرار کرد و آنقدر به این بازی ادا مه داد تا به این مرحله رسید که مثل دفعه پیش با بیدیک چیزی هم بدهد و ریش خود را خلاص کند در حالی که سوریه از این بازی نفع میبرد و آزادی گروگان ها را به حساب اقتدار خود میگذارد و از دنیا امتیاز میگیرد!

نفوذ داشتند که به احمدکاشانی برسانند که مبادا دربار بر فشار برسان دادگاه انقلاب کوتاه بیاید و به اعتراضات تلویزیونی تن در دهد که کار مشکل خواهد شد.

پیاپی آنها به احمدکاشانی، وی را در برابر محمدی ریشهری که خود سر رشته اعتراف گرفتن ها را بدست می گیرد، دلیرا سخت از اینروریشهری چون دید نمی توانست مقدمات محکومیت سنگین وی را فراهم آورد، کار را به جای آنکه برعهده دادگاه ویژه روحانیت بگذارد، به دادگاه دیگری احواله کرد. و حکم دادگاه مربوطه بروفق مرا در فسنجان نبود. به همین دلیل رفسنجانی با تلخکامی فروخورده ای میگوید: "بله، حکم ادا دیده ام، ایشان به دوسال زندان محکوم شده اند."

این اعلام در عین حال به رفسنجانی فرصت داد به عقب نشینی آبرومندانهای دربار بر مخالفان خود دست بزند. ولی گمان نمی رود که آنها به این عقب نشینی قناعت کنند و دست از سر رئیس مجلس شورای اسلامی بردارند. هر چند که او همچنان سولگی خمینی بشمار آید.

بود که، بیشتر در جلسات خصوصی مجلس، می خواستند خود سریها و وزارت اطلاعات را مهار کنند، و سرانجام احمدکاشانی جزو آن نمایندگان بود که از وزیرکشور، علی اکبر محتشمی، خواستند دربار ره آه گردانی علیه نظام پزشکی و پزشکیان کشور که به دست او باشد دولتی صورت گرفت، توضیح بدهد. هیچیک از تیرهای احمدکاشانی به هدف نخورد. اما در عین حال دشمنان او نیز موفق نشدند حکم مجازاتی چنان سنگین علیه او بترانند که ما به عبرت مخالفان دیگر باشد.

این حکم با لنسبه خفیف بی گمان به دستور شخص خمینی صادر شده است. ولی گمان نمی رود که خمینی به احترام سید ابوالقاسم کاشانی، که رژیم تهران از او قهرمانی ساخته است، چنین کرده باشد. احترام به دیگران در تصمیم گیری سیاسی خمینی هیچ تاء شیری ندارد. و امروزه دگستری در ایران فقط به صورت زائده ای از کشمکش های سیاسی عمل می کند.

حکم با لنسبه خفیف علیه احمدکاشانی را باید نتیجه فشار سیاسی مخالفان دارو دسته رفسنجانی بر آیت الله خمینی دانست: منتظری، مهدوی کنی، موسوی اردبیلی، سیدعلی خامنه ای در این میان نقشی داشته اند. اینان به هر حال این قدر

رافت دادگاه انقلاب!

بقیه از صفحه ۱

حجت الاسلام و المسلمین هاشمی رفسنجانی در ۷ شهریور ۶۶ در مصاحبه ای با روزنامه انگلیسی زبان "تهران - تایمز" در جواب این سؤال که "شنیده شده است که در رابطه با احمدکاشانی که نماینده مجلس بود از سوی دادستانی اعلام شده آیا صحت دارد" گفت: "در مورد آقای احمدکاشانی بله، من حکم ادا دیده ام که برای ما فرستاده اند که ایشان به دوسال زندان محکوم شده اند."

احمدکاشانی، فرزند سید ابوالقاسم کاشانی و برادر در دکتر محمود کاشانی، با سروصدای بسیار زدا شد، اما با بی سروصدا محکوم گردید. دوسال محکومیت در رابطه با آنها ماتی که به او زده شد، حکمی بسیار ملایم به نظر می رسد. و از همین جا است که برمی آید چرا در باره محاکمه او هیچ چیزی در رسانه های همگانی رژیم تهران انتشار نیافت. زیرا انتشار خبر موجب می شد که مردم ایران از خود بیخبرند چرا سر و ته محاکمه او را به این سرعت هم آوردند. با اینهمه

سؤال نامبرده همچنان باقی است. راستی چرا؟

موضوع را با بیدار ارتباط با نبرد قدرت در جمهوری اسلامی نگریست. با دیدید چه دست هایی در کار بوده است تا احمد کاشانی از مجازات سنگینی که در انتظارش بود رها یی یابد، و به عکس کدام کسان علاقه مند بودند که وی به مجازاتی سنگین محکوم گردد.

در صف مقدم گروهی که میخواستند احمد کاشانی را از سر راه خود بردارند، با یاز علی اکبر ولایتی، رفسنجانی، میرحسین موسوی، محمدی ریشهری، و علی اکبر محتشمی نام برد. احمدکاشانی جزو آن نمایندگان بود که میخواستند با پیش کشیدن جزئیات سفر مک فارلین به تهران، زیر پای رفسنجانی را بر بوند. احمدکاشانی جزو آن نمایندگان بود که در فرصت های گوناگون بی کفایتی دولت را در مجلس اسلامی مطرح می کردند و زمینه یک استیفا حوسپس سقوط دولت را فراهم می آوردند. احمدکاشانی جزو آن نمایندگان



نامه‌ها و نظرها



حاج نام با فستی از نامه‌ها و نوشته‌های خوانندگان گرامی فقط برای منعکس کردن نظرات و عقاید و برداشته‌های شخصی نویسندگان نامه‌هاست و لزوماً به معنای موافقت و همراهی با ارکان مرکزی نهضت مقاومت ملی ایران یا بغداد همه این نوشته‌ها نیست. از نویسندگان نامه‌ها تقاضا می‌کنم نام و نشانی خود را ذکر کنند و در صورتیکه نخواهند نامشان چاپ شود یا آدرس خود را نامشان محفوظ بماند. افزون بر این، از چاپ نامه‌هایی که در آن‌ها نسبت به اشخاص و گروه‌ها هتک حرمت شود و یا عفت و سزگوارای قلم ملحوظ نگردد، معذوریم. انتخاب عنوان نامه‌ها از ماست.

نامه سرگشاده به اولی‌الابصار

شورای نویسندگان قیام ایران، بسیار ممنونم که در شماره پیش نامه سرگشاده بنده به آیت الله خمینی، در باب نام خلیج فارس، را بدون دستکاری درج کردید. به دلگرمی این بی نظری و امانت داری شما، با زنا مه سرگشاده زیر را خدمتان می فرستم.

آواره، محفوظ الامضاء

شرح محاکمه دکتر مصدق در دادگاه تجدید نظر نظامی را که به تدریج چاپ می کنید، میخوانم. در این رابطه، دیروز کتاب مصدق در دادگاه هدوی را ورق میسازم، چشم به شما بیم کیفرخواست افتاد. چند تلگراف از مظفر علم و خواجه نسوری، سفیران ایران در بغداد دورم، در مرداد ماه ۱۳۳۲، در زمرة این ضمایم است که خوانندگی و دوباره خوانندگی است.

حالا اول کار است. کودتای ۲۵ مرداد موقوف نشده و شاه و ملکه زکاردشت به بغداد پرواز کرده اند.

قسمتی از تلگراف مظفر علم، سفیر کبیر در بغداد، به تاریخ ۲۶ مرداد ۳۲: جناب آقای دکتر فاطمی، وزیر محترم امور خارجه،

از اقدام تبهکارانه یک عده خائنین به دولت ملی جناب آقای دکتر مصدق و شروع به کودتای نظامی و تعرض آن به آن جناب همگی متاء ثرومتاء سف شدم، ولی خدای ایران که در همه احوال ناظر به حال این ملت ستمدیده است عملیات خائنانه ممتی دشمن

این آب و خاک را خنثی نموده و بحمدالله با ردیگر موفقیت و پیروزی نصیب ملت نجیب ایران و افراد نهضت ملی گردید. اینجا نب از طرف خود و تمام اعضای سفارت کبری و ما مورین نمایندگان ایران و عموم ایرانیان ساکن این کشور که همگی محبت و علاقه خاصی به آن جناب دارند مراتب انزجار و تنفر شدید خود را از این اقدام خائنانه، به شخص جناب عالی که مورد تعرض و دسائس این عده قرار گرفته بودند ولی با تاء ییدات خداوندی از انجام نقشه های شوم خود ما یوس و نا امید شدنت تبریک و تهنیت فوق العاده عرض، سلامتی جان و موفقیت جناب عالی را برای خدمت به میهن عزیزا زدرگاه ایزدمتعال مسئلت داریم...

همچنین به جناب آقای نخست وزیر محبوب که در برابر نقشه های خطرناک

جمعی از افراد مزدور فاجع و بی پرواز گردیدند از طرف سفارت کبری و کارمندان تلگراف تبریکی به معظم له تقاضا برده و این موهبت عظمی را شادباش عرض نمود. از خداوند متعال پیشرفت روزافزون و عظمت و سر بلندی ایران که سال را در تحت رهبری پیشوای بزرگوار و رجال مالم و خدمتگزار به میهن را همواره ساقل و خواستارم.

سفیر کبیر (امضا)

و چند سطر از تلگراف بعدی سفیر کبیر، به تاریخ ۲۶ مرداد ۳۲: وزارت امور خارجه،

پیرو تلگراف مورخ ۲۵ مرداد ۱۳۳۲ را ج به ورود شاه به بغداد توضیحا "می نگارم: در ساعت ده و نیم صبح روزیکشنبه

۲۲/۵/۳۲ شنیده شد که شاه ایران به اتفاق ملکه به بغداد وارد شده اند. قورا "درمدم

تحقیق برآمد و معلوم شد شاه به اتفاق ملکه و یک نفر خلبان و یک آلودان همان ساعت با هواپیمای مخصوص وارد فرودگاه بغداد گردیده و بلافاصله خود را به ماء مورین انتظامی و گذرنامه عراق معرفی نموده است...

و چند سطر از تلگراف روز بعد: وزارت امور خارجه،

طبق گزارش تلفنی، از وزارت امور خارجه شفاها "کتبا" تقاضا شده و پیمای حامل شاه را که متعلق به دولت است کاملاً مراقبت نموده و به احدی اجازه پرواز با آن راندهند...

به لحن تلگرافها توجه فرمائید تا برسیم به فردای آن روز، که کودتای ۲۸ مرداد موفق میشود.

چند سطر از تلگراف آقای مظفر علم، به تاریخ ۳۱ مرداد ۳۲: وزارت امور خارجه،

جریان تشریف فرمایی اعلیحضرت هما یونی و علیا حضرت ملکه را به بغداد و همچنین مراجعت معظم له ازرم به بغداد و عزیمت به تهران را طی تلگرافات رمز (شماره ۰۰۰۰) مرتباً "به عرض رسانده و به دستوراتی که تلفوناً" یا به وسیله تلگراف ما در فرموده بودند عمل نمود. اکنون به عرض می رسانم هنگام فرود آمدن اعلیحضرت هما یونی از طیاره اینجا نب به معیت والاحضرت ولیعهد و رجال عراقی نزدیک هواپیمای شاهنشاهی استقبال نمودیم. ولی اعلیحضرت هما یونی با اینکه حتی با اعضای کوچک وزارت امور خارجه عراق دست دادند از

دست دادن به اینجا نب خودداری فرمودند و در اطاقی هم که جهت پذیرایی از معظم له در فرودگاه ترتیب داده شده بود تلگرافات و نامه های رسیده را حضورشان تقدیم داشتم. معذراً عتثائی نفرمودند و با اینکه به عرض رساندم کلیه هیئت سفارت کبری و کنسولگری بغداد نیز در سر راه حضور دارند از آنها هم تفقدی نفرمودند...

و حالا برای تنوع، تلگراف دیگری از سفارت دررم به تاریخ ۲۹ مرداد ۳۲ - که با ید قبول کرده اگر سفیر، به اخبار را دیو لندن مرتباً "گوش داده بود چنین تلگرافی را مخابره نمی کرد: وزارت خارجه،

خبر تبلیغاتی را دیولندن راجع به حضور وابسته نظامی و یکی از اعضاء سفارت در فرودگاه موقع ورود شاه بکلید روغ است فقط دوتا جرحین صادق، بهلول ز نسوزی آنجا بودند. بعضی از روزنامه های رم نیز این خبر در روغ را نوشته اند. فوراً سفارت تکذیب کرد.

خواجه نسوری

دوستی دارم بنام علی محمد ا حشا می که هر کجا هست خدا سلامت بدهد ارد - از صاحبمنصبان وزارت خارجه سابق، مردی وارسته و درویش مسلک که در زمان سفارت خلیل اسفندیاری پدر ملکه شریا در آلمان، مقام مستشاری سفارت را داشت، خلیل اسفندیاری روایت دخترش ملکه شریا، را برای او حکایت کرده بود که او برای من نقل کرد که در حد توانائی حافظه با زگو می کنم.

این ملکه شریا است که حکایت می کند: "ما وقتی از کلاردشت بطرف بغداد حرکت کردیم، آتای با ای از استقبالی که در بغداد از ما خواهد شد، برای انگیزانی میکرد.

اعلیحضرت به او گفتند: نگران نباش، مظفر علم، سفیر ما، آدمی نیست که محبت های پدرم و خود مرا از یاد برده باشد. یقین بدان نهایت کوشش خود را در پذیرایی ما خواهد کرد. ولی آتای با ای در این باره اظهار تردید میکرد. وقتی به بغداد رسیدیم و مدتی در فرودگاه ویلان بودیم تمام عراقی ها رسیدند و کمک کردند، اعلیحضرت خیلی در هم رفتند ولی به روی خودشان نیاوردند. وقتی در هواپیما از بغداد به رم میرفتیم، با ز صحبت از استقبال شد. آتای با ای جرئت پیدا کرد و گفت: هما نظور که سفیر ما در بغداد، دنیا مدفردگاه، سفیرم هم...

اعلیحضرت حرف او را بریدند و گفتند: نه، اینجا وضع فرق میکند، نظام سلطان از خودمان است. آتای با ای جواب داد: با وجود این چا کرت دیدم درم، اعلیحضرت با هیجان گفتند: آتای با ای با توش شرط می بندم، اگر نظام سلطان (خواجه نسوری) نیا مداین ساعت رولکس را که آنقدر چشم را گرفته بود و تعریفش را میکردی به توست میدهم. هواپیما به رم رسید، اعلیحضرت روی پله مکث کردند و با نگاه همه محوطه اطراف هواپیما را زیر و رو کردند و همان جا، روی پلکان هواپیما، بسندون ادای کلمه ای، ساعت مچی خود را باز کردند و به آتای با ای دادند. گذشت و گذشت و ما به تهران برگشتیم. بعد از زمدتی یک

شب در کاخ، چند نفری در حضور اعلیحضرت بودند، با دمنیست کدایم یک از نزدیکان بود که وقتی اعلیحضرت را سر حال دید، گفت: قربان، اگر بزرگوار ی و رحمت بغرما شیدو جا زه بغرما شیدیکسی را یین روزها، خواه نوری برای پاپوس شرفیاب بشود... اعلیحضرت نگذاشتند حرفش تمام بشود. با تند ی گفتند: اگر نظام سلطان پایش را اینجا بگذارد میگویم آتای با ای به صورتش تف بیندازد آن شخصی که میخواست واسطه بشود ساکت شود و البته کسی از حاضران غیر از من - نفهمیده چه مناسبت بجای پیش خدمت یا دربان، وظیفه رد کردن نظام سلطان را به عهده آتای با ای محمول می کردند...

این بود روایت ملکه شریا. دیدیم که محمدرضا شاه از این ماجرا درسی نگرفت و به دوستی و وفاساداری آدمهایی تکیه کرد که روز آخر نه فقط تنهای آنها ش گذاشتند، بلکه بسا آخوندها برای زدن ریشاش، تبا نی کردند.

یادم به فرموده شیخ اجل می آید:

از صحبت دوستی به رنجم کاخلق بدم حسن نماید کودشمن شوخ چشم نا پاک کوعیب مرا به من نماید

و میدانیم که محمدرضا شاه حقیقت را اگر از دوستان شنیده بود، از زبان "دشمن شوخ چشم نا پاک"، خمینسی، شنیده بود:

خمینی در نطق عاشورای سال ۱۳۴۲ در مدرسه فیضیه قم که به یادداشتش منجر شد، عیناً "گفت:

"آقای شاه! تونمی دانی اگر یک روزی صدائی در بیاید، ورق برگردد، هیچکدام از این ها که امروز دورتر گرفته اند، بسا تورفیق نیستند، این هارقیق دلارند، اینها وفاندارند..."

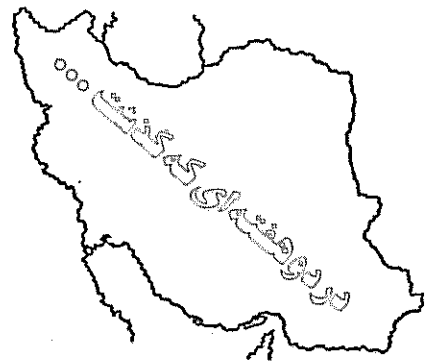
فا اعتباری و اولی الابصار
آ. محفوظ الامضاء

ویدئو کاست تاریخ ایران

بقرا را اطلاع رسیده، از طرف نهضت مقاومت ملی ایران، شاه آلمان غربی، یک فیلم مستند بصورت کاست ویدئو (VHS) زیر عنوان: "تاریخ ایران، از انقلاب مشروطیت و پیدایش نفت تا بحال" به مدت ۲ ساعت، به زبان آلمانی، تهیه شده است. همچنین نشریه ای درمجا وزا ۲۵۵ صفحه از مندرجات جزایر اروپا از سال ۱۹۷۹ تا ۱۹۸۶ دربار ز نقض حقوق بشر در ایران آماده توزیع است.

علاقه مندان می توانند با ارسال چک به مبلغ ۵۰ مارک برای کاست ویدئو بسا بروشور، به آدرس زیر، کاست یا بروشور مذکور را دریافت دارند.

Postfach 4007
3400 Göttingen
W. Germany



دوشنبه ۹ شهریور

عراق اعلام کرد که هواپیماهای عراقی ساعت یازده و نیم شب گذشته یک هدف بزرگ دریایی را در منطقه انتظا رجزیره خاک هدف قرار دادند.

سه شنبه ۱۰ شهریور

به گزارش راديو جمهوری اسلامی، در اثر بمباران یک واحد صنعتی در اصفهان که صبح امروز توسط هواپیماهای عراقی انجام گرفت، بیست تن کشته و عده زیادی زخمی شدند.

چهارشنبه ۱۱ شهریور

عراق اعلام کرد که هواپیماهای آن کشور کارخانه ذوب آهن ونیروگاه برق اصفهان، کارخانه قندشوشتر و حوزه های نفتی مارون و رامهرمز را بمباران کردند.

پنجشنبه ۱۲ شهریور

عراق اعلام کرد که هواپیماهای آن کشور در شب گذشته یک هدف بزرگ دریایی را در منطقه انتظا رجزیره خاک هدف قرار دادند.

تنگه هرمز شود.

یک نفتکش ژاپنی در ۴۸ کیلومتری تنگه هرمز مورد حمله ناوچه های سریع جمهوری اسلامی قرار گرفت.

پنجشنبه ۱۲ شهریور

کمیسیون فرعی حقوق بشر در ژنو، طی قطعنامه ای رژیم جمهوری اسلامی را بخاطر نقض حقوق بشر و عتنائی مستمر به منشور حقوق بشر شدت محکوم کرد.

جمعه ۱۳ شهریور

عراق اعلام کرد سحرگاه امروز هواپیماهای عراقی یک نفتکش را در نزدیکی ایران بمباران کردند.

شنبه ۱۴ شهریور

راديو تهران گزارش داد که نیروهای جمهوری اسلامی سحرگاه جمعه با اجرای عملیات فوج ده، در منطقه اربیل واقع در کردستان عراق ضمن انهدام پایگاه های نظامی، بیش از ۵۵۰ سرباز عراقی را کشته و ارتفاع استراتژیک را

تصرف کرده است.

عراق این ادعای جمهوری اسلامی را تکذیب کرد. هفته نامه "ابرزور" چاپ لندن نوشت.

دوشنبه ۱۵ شهریور

دراولسن و کنش نسبت به خراج دیپلمات جمهوری اسلامی زکویت، میرحسین موسوی همداراد که جمهوری اسلامی در موقع مقتضی پاسخ کویست را خواهد داد.

دوشنبه ۱۶ شهریور

آلغردا شمشیت گروگان آلمانی که ۲۳ روز پیش در لبنان ربوده شده بود، امروز آزاد شد و از طریق دمشق عازم آلمان گردید.

سه شنبه ۱۷ شهریور

راديو عربستان سعودی، در تفسیری مردمان ایران را دعوت به قیام علیه رژیم جمهوری اسلامی کرد و از ملت ایران خواست خود را از قید حکومت آخوندها که

ایران را به بهشت تروریست ها تبدیل کرده است برهانند.

وزیرخارجیه لیبی در بغداد دیدار با حسین رئیس جمهوری عراق دیدار کرد و درباره بهبود مناسبات لیبی و عراق و جنگ جمهوری اسلامی و عراق با وی به مذاکره پرداخت.

چهارشنبه ۱۸ شهریور

عراق اعلام کرد هواپیماهای آن کشور امروز در موج متعدد، ۱۳ هدف اقتصادی و نظامی ایران از جمله کارخانه قند دزفول، اسکله های نفت گیری بندر گناوه، کارخانه های سیمان و وقتند کرمانشا، سیمان دورود، نیروگاه هسرق شاه آباد غرب و دو ایستگاه مخابراتی در کردستان و در بمباران کردند.

پنجشنبه ۱۹ شهریور

جمهوری اسلامی به تلافی بمبارانهای هواپیما در دورود، کارخانه های سیمان و سایر اهداف عراقی، در روز پنجشنبه، دو مرکز مخابرات، دو نیروگاه برق، یک کارخانه قند، تاسیسات رادیو کرمانشا، رادار بمباران کردستان، در استان سلفیروز و کولتار به تهران، هیات های نمایندگی آمریکا و شوروی در ژنو، گفتگوها با دربارها و وضاع خلیج فارس و افغانستان آغاز کردند.

شنبه ۲۱ شهریور

پرزد و کولتار عمار مرزوزا و تهران شد و مورد استقبال علی اکبر ولایتی وزیرخارجیه رژیم قرار گرفت.

یکشنبه ۲۲ شهریور

پرزد و کولتار با علی اکبر ولایتی و میرحسین موسوی نخست وزیر جمهوری اسلامی بطور جداگانه دیدار کردند.

بقیه در صفحه ۱۲

تمثیل صوفیان و عرصه سیمبرغ

در جهان عرفان

گفت حالی یوسف حکمت شناس هیچ می دانید این آواز طاس؟ ده برادر بر گشادند آن زمان پیش یوسف از سرعزی زبان (= زبان) جمله گفتند ای عزیز حقیقت شناس کس چه داندا چه پانگ آید ز طاس یوسف آنکه گفت من دانم درست کوچه گوید با شما ای جمله سست گفت می گوید شما را پیش ازین یک برادر بود حسن بش ازین نام یوسف داشت، که بود از شما در نکویی گوی بر بود از شما دست زدی بر طاس از سرباز در جمله افکندید یوسف را بچاه پس بیا وردید گرگی بی گناه پیرهن درخون کشیدید از فسون تادیل یعقوب از آن خون گشت خون دست زدی بر طاس یک باری دگر طاس را آورد در کاری دگر گفت می گوید پدر را سوختید یوسف مه روی را بفسروختید

با برادر کی کنند این، کافران شرم تان باد از خدای حاضران... تو ممکن چندین در آن قصه نظر قصه تست این همه ای بی خیر آنچه توارزی و فایبی کرده ای نی یسور آشنایی کس کرده ای گرگی عسری زدی بر طاس دست کنا رنا شایست توزان بیش هست باش تا از خواب بیدار ت کنند در نها د خود گرفتار ت کنند باش تا نردا جفا های ترا کافریها و خطاهای ترا پیش رویت عرضه دارند آن همه یک بیک بر تو شام رند آن همه چون بسی آواز طاس آید بگوش می ندانم تا بما تدعقل وهوش

دید آن خیل غلامان را ز دور گفت آن کیستند این خیل حور جمله شهرش جواش داد راست کاین غلامان عمید شهر ما ست چون شنید این قصه آن دیوانه زود او فتاد اندر سر دیوانه سسه دود گفت ای دارنده عرش مجید بنده پسروردن بیا موزا ز عمید

مصاحبه روزنامه‌المدینه با

دکتر شاپور بختیار

روزنامه‌المدینه چاپ عربستان سعودی در شماره مورخ ۳۰ اوت ۱۹۸۷، متن مصاحبه فرستاده مخصوص خود به پاریس، با دکتر شاپور بختیار در آدرج کرده است که ما ترجمه کوتاه شده آن را در زیر، بنظر خوانندگان خود می‌رسانیم.

(کشوری که حداکثر کوشش را برای حفظ امنیت حجاج خانه خدا انجام می‌دهد)
(حوادث خانه خدا جزئی از برنا مه تسلط بر جهان اسلامی بود)
(اعمال خصمانه بر سفرها رتخانه‌های سعودی و کویت نا پسند و زشت بود)
(گروه نادان هیئت حاکمه از پیمان دادن جنگ با عراق بیم دارند)
(پاریس - رهبر مخالفان رژیم کنونی ایران تاء کید کرد آنچه که گروه نادان خمینی در مکه انجام دادند جزئی از اهداف توسعه طلبانه خمینی بر جهان اسلامی است.

- حکومت ملک فهد حداکثر سعی خود را برای سلامت و امنیت و جلب اطمینان حجاج بعمل می‌آورد، عملیات خصمانه در تاجا وزبه سفر رتخانه‌های سعودی و کویت نا پسند نبود، وی اشاره کرد پس از زخمینی چه بسا ایران به آشوب کشیده شود و نیروهای ملی را برای بدست گرفتن قدرت در کشور فراخواند. در گفتگوی مشروحی که با آقای شاپور بختیار نخست وزیر سابق ایران بعمل آمد، وی تاء کید کرد:

مصالح کشور سعودی ایجاب می‌نماید که مراسم حج همراه با امنیت و سلامت و آرامش به پایان برسد و هر شخص منزله و متفکر می‌داند اعمال خونین مزبور از جانب خمینی است، خمینی بمنظور گسترش جمهوری خود به همه کشورهای اسلامی کوشش می‌کند و این یک فکرواهی است و آرزوهایش در حقیقت استعمار - گرانه بوده و سعی در صدور افکار خرابکارانه به میان ملت‌هایی دارد که عموماً این گونه افکار را رد می‌کنند. بختیار از مرافقت دولت‌های غربی نسبت به تاجا وزات رژیم ایران انتقاد کرد و گفت این موقعیت مربوط به حرص انسان در اوربا زرگانی است، وی تاء کید کرد رژیم فعلی ایران یکی از جمله رژیم‌های نادرجهان است که کوچکترین توجهی به حرمت حقوق بشر، اعم از آزادی یا حقوق اساسی قائل نیست و به پیمان‌ها و مقررات بین المللی به هیچ وجه احترام نمی‌گذارد. همه آن اعمال ایذاکسی و شرارت‌ها زائیده رژیم فعلی است و ارتباطی با هموطنان ایرانی ندارند. آقای بختیار اضافه نمود: ترس خمینی از پایان جنگ با عراق، به دلیل این است که میداند رژیمش نیز با پایان جنگ به پایان می‌رسد.

پاریس - آقای شاپور بختیار نخست وزیر پیشین ایران و یکی از چهره‌های مبارز

بقیه از صفحه ۱

در حالی که هاشمی رفسنجانی می‌گوید که خلیج فارس به گورستان سربازان آمریکا می‌مبدل خواهد شد و موسوی اردبیلی می‌افزاید که "رزمندگان مسادرزین کشتیهای آمریکا می‌شودند و نخواهند کرد" فرمانده نیروی دریایی سپاه پاسداران عقیده دیگری دارد، می‌گوید: "مساکشتی‌ها و ناوهای آمریکا می‌توانند از بین نخواهند برد، بلکه آن‌ها را به غنیمت خواهیم گرفت".
در این اثنایه یک روزنامه آمریکایی به توپ سپاه امام زمان بسته شده و نسخه کشتی‌ای به غنیمت گرفته شده است. به انتظار غنیمت نشستن نیروی دریایی سپاه پاسداران، انسان را بی اختیار به یاد آن حکایت عبیدر کانی در باره "قزویبانی می‌اشد زده که به جنگ می‌رفت و کمان برداشته بود اما بدون تیر. وقتی از او پرسیدند که با کمان بدون تیر چگونه به جنگ می‌روی جواب داد که تیر از آن طرف، یعنی از طرف دشمن، می‌آید. گفتند اگر تیر نیاید چگونه جواب داد: پس دیگر جنگی نباشد!

در حالی که کارخانه‌های شورسکه دلائل گوناگون، از جمله به دلیل نبودن مواد اولیه، و مسائل بکدی، کمبود کارشناسی و همچنین نبودن مدیریت کارآمد تعطیل نیمه تعطیل یا در حال تعطیل است، به دشواری می‌توان با ورکرد که کارخانه‌های اسلحه سازی با ظرفیت کامل کارکنند. اما سرداران جنگی رژیم تهران نه تنها ادعای خلاف این دارند، بلکه در لاف زنی و دروغ پردازی روی دست یکدیگر بلبلند می‌شوند.

سرتیپ جلالی وزیر دفاع جمهوری اسلامی در مصاحبه‌ای می‌گوید در صنایع نظامی "مینی‌ها می‌ساخته شده است که به وسیله هیچ سیستم کشف کننده‌ای قابل کشف

مخالف رژیم کنونی ایران پناهنده در فرانسه، تاء کید کرد:

آنچه در ایران می‌گذرد و حواشی که در مکه مکره گذشت و موجب تاء ثروا ندوه گردید، از جمله مسائل بسیار طبیعی رژیم است که به قوانین و اخلاق و دین احترام نمی‌گذارد.

خمینی را نظر بر این است که از نظر دینی نماینده خدا در روی زمین است. این بار اول نیست که خمینی بطور مستقیم یا غیر مستقیم در مراسم حج مبادرت به ایجا د آشوب میکند، وی هر سال برای حجاج ایرانی مشکلاتی بوجود می‌آورد اما میزان حوادث ناگوار را سال به سال مراتب بیشتر از سالهای قبل بود.

من معتقدم حاجی وقتی به مکه می‌رود به خاطر نزدیکی به خدا باید فارغ از کینه و بغض و از مودنیا می‌جدا باشد. عزیمت به مکه برای تولید فتنه و آشوب و اعمال اغراض سیاسی خلاف مناسک حج است.

خمینی برای صدور افکار و اصول انقلابش اقدام به تظاهرات را تجویز میکند، در اینجا باید بگویم آنچه در مکه اتفاق افتاد قابل انتظار نبود. بخاطر اینکه خمینی قبل از اینکه کاروانهای حج را همراه همکارانش بمکه بفرستد ارسال پیامی

تسلیمات دروغ

را پروا ز داده است و تولید هوا پیمای بدون سر نشین نیز در حد نبوه، در جریان است.

وزیر سپاه پاسداران می‌گوید سلاح‌های بیجیده‌ای که محصول تکنولوژی مدرن جنگی هستند، در دست ساختند و بی‌زودی در میدان‌های جنگ، کارآیی رزمی خود را نشان خواهند داد. وی ظاهراً "فرا موش" کرده است که هاشمی رفسنجانی همین چند هفته پیش گفته است جمهوری اسلامی اگرچه هنوز قا در به ساختن سلاح‌های مدرن نیست، اما از بسیاری جهات به خود کفائی رسیده است.

نیازی به پژوهش نیست تا دانسته شود در رژیم تهران تنها کارخانه‌های کرباسا ظرفیت کامل کار می‌کنند، به از رخا رچی هیچ نیازی ندارد و زحمت مواد اولیه و لوازم بکدی هرگز در مضیقه نیست، همان کارخانه دروغ سازی است. سردمداران، از بزرگ گرفته تا پائین ترها، تولیدات این کارخانه را با ضربت هندسی افزایش می‌دهند. دروغ‌های تازه جان نشین دروغ‌های کهنه می‌شود، و گویندگان این دروغ‌ها همه از همان چیزی رنج می‌برند که در مثل آمده است: دروغ گو کم حافظه می‌شود.

سردمداران رژیم تا کنون می‌گفتند اگر اسلحه‌ها را بدهند، عشق به شهادت دارند که سلاحی نیرومندتر از همه سلاح‌ها است، اکنون که عشق به شهادت در سربازان امام زمان کاهش چشمگیری پیدا کرده، دوباره تسلیمات از اهمیت برخوردار شده است. اما در نبود تسلیمات واقعی، تسلیمات دروغ را جان نشین آن کرده‌اند.

مردود و زابطه ملی بدور است. من شدیداً "نسبت به این تاجا وزات و هتک حرمت مکان مقدسی که در آن مردم بی‌سوی خدا رومی‌آوردند، و موجب هلاک صدها نفر میشود، معتراض و متاء سخم و به مقررات کشور سعودی در حفظ و حرمت حجاج احترام می‌گذارم.

در باره جنگ ایران و عراق هم، میدانید که آزادی کربلا و نجف برای رسیدن بقدر زائیده عقاید خمینی، یعنی همان عقاید استعمارگرانه و توسعه طلبانه است که می‌خواهد کم مستبد و دیکتاتور زمانه فقط در ایران بلکه در تمام کشورهای اسلامی باشد. و بمنظور پیشبرد نظریات واهی خود از صدور تروریسم و عملیات خرابکارانه در بیخ نمی‌کند، دول غربی بمنظور پاره‌ای مصالح و احتمالاً طمع تاجا رت و بعضی مسائل سیاسی با خمینی سازگاری می‌کنند و به همین جهت به وی اجازت داده‌اند و می‌شود تا افکار رجنون آمیز خود را در تریه سرپرستی از عموم مسلمانان ابراز کند. من همانند غالب ایرانیان شیعه هستم ولی هرگز مسلمانان غیر شیعه را کافر نمی‌دانم، نگاه می‌کنم به مکه بیندازید چگونه مسلمانان عرب -

نیست، نیز نوعی قایق "خودهدا بیست شونده" درست شده (در کدما کارخانه کشتی سازی؟ معلوم نیست!) که خودش به سمت هدفی که داده شده هدایت می‌شود و این چیزی است که دشمن نمی‌تواند در کار آن اخلال نماید...
وزیر دفاع می‌افزاید: "موشکی زمین به زمین نیز ساخته شده است که می‌تواند بندها را هدف بگیرد." وی سپس به سلاح‌های تازه می‌کنند که نام بردن از آنها را هنوز به صلاح نمی‌داند. شاید منظور همان سلاح‌های با شکره - خامنه‌ای با ایما و اشاره درباره آنها گفته است که می‌توانند در روز ضرورت محسری در خلیج فارس بیایند.

ولی ظاهراً "موشک‌های دوربرد زمین به زمین" موشک‌های کهنه می‌تواند با هیچ وسیله‌ای آنها را کشف کرد، آخرین دستاورد های جمهوری اسلامی در صنایع نظامی نیست. وزیر سپاه رژیم تهران در این باره حرف‌های تازه‌تری دارد، می‌گوید: "در صنایع خودکفای نظامی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، نخستین زیردریایی ساخته شده است. انداخته شد... وی می‌افزاید: "این زیردریایی سپاه مجهز به هزار و پانصد بیجیده و مدرنی است که نیازی به وجود سپاه کفایت می‌کند." به گفته وزیر سپاه، کشف و اختراع و نوآوری‌های نظامی این نهاد انقلابی به زیردریاهای محدود نیست، بلکه اوج آسمانها را نیز می‌پیماید. همومی‌گوید: "سپاه پاسداران انقلاب اسلامی... اخیراً اولین هوا پیمای با سر نشین ساخت خود

آنها را دعوت به قیام و وظایف سیاسی کرد.

خمینی در پیام پیش از مراسم حج، حجاج را مخاطب قرار داد و آنها را مکلف نمود تا در انتشا را اسلام حقیقی مجری دستورات وی باشند. ولی کدام اسلام را خمینی می‌دهد؟

گرچه من در آنجا نبوده‌ام اما بیشتر حجاج ایرانی پیر مردان و پیر زنانی بودند که نداشتند به زیجه دست آشوبگران شده و در موقع بروز فتنه در اطراف حرم بودند. من تاء کیدی که حکومت سعودی تحت سرپرستی ملک فهد خادم حرمین شریف، و سایر مسئولین دیگر که مسئولیت امنیت و حفاظت را به عهده داشته‌اند همه کوشش خود را برای برقراری آرامش انجام می‌دهند، سلامت حجاج و آسایش آنها را می‌خواهند، هر شخص عاقل اعم از مسلمان یا غیر مسلمان می‌تواند تشخیص بدهد که چنین اعمال خونینی ناشی از اراده خمینی است. با نهایت تاء ثربه روح صدها بی‌گناه، با ستثنای کارگردانان فتنه درود می‌فرستم. تاجا وزبه سفر رتخانه‌های سعودی و کویت در تهران را عمل زشتی تلقی می‌کنم، همانگونه که به هنگام حادثه سفارت آمریکا در تهران گفتم، اشغال سفارتخانه‌های کشورهای بیگانه عملی

مصاحبه روزنامه‌المدینه با

دکتر شاپور بختیار

بقیه از صفحه ۱۰

امریکائی - اروپائی - هندسی - پاکستانی - چینی - ترک - ایرانی و غیره در آنجا اجتماع میکنند. در سؤال دیگری پیرامون اختلافات شدید در تهران برای کسب قسدرت و جانشینی خمینی، آقای بختیار جواب داد: تا هنگامی که خمینی در قید حیات است در قطعی شدن جانشین وی بطور آشکارا باید منتظر باشیم، البته منتظری بطور رسمی برای جانشینی تعیین شده است اما جانشین وی اگر منتظری یا رفسنجانی یا هرکس دیگری باشد درخواهد بود جای خمینی را پر کنند زیرا این رژیم کسب به نام جمهوری اسلامی تاء سیس کرده‌اند و اسلامی که خمینی مدعی آن است با آنچه دین اسلام آموزش داده مغایرت دارد و در دنیا نمیتوان مشا به دیگری در رابطه با سا بجمهوری ها برایش پیسدا کرد.

در ایران هم اکنون افرادی که ملی هستند و به مکرسی و ملی گرائی اعتقاد دارند برای جانشینی رژیم در اسرع وقت مجهز و آماده اند و ما ایرانیان اجازه استقرار حکومتی جدید و از این نوع نخواهیم داد زیرا یک با تجربه برای ما کافی است، من شخصا "در ابتدا مبارزه آنرا شناختم و همدارادم اما افراد نا آگاه هرگز نکردند و روزی حقیقت را باور کردند، اجازه دهید تا ما ملی تاء شرا و کرده می شنوم بگویم: در بعضی کشورهای اسلامی گروهائی سعی در برپائی رژیم مشا به این رژیم دارند ولی پس از آنکه دیدند خمینی با ایران چه کاری کرد با یقین عدتا "چشمها پشان با زده باشد.

در باره جنگ با عراق و مسئله ناگسوار خلیج (فارس) شاپور بختیار تاء کید کرد: اوضاع نا بسا مان خلیج (فارس) دنباله طبیعی این جنگ هفت ساله با عراق است که هنوز ادامه دارد. مشکلاتی که در آنجا و دریای عمان و تنگه هرمز وجود دارد زائیده جنگ با عراق می باشد. از خمینی همواره پان جنگ را میخواستند اما او تمایلی نداشت. زیرا پان جنگ یعنی پان او و امضای حکمنا بودیش.

شورای امنیت سازمان ملل متحد بر پان جنگ تصمیم گرفته است. اما خمینی مقررات بین المللی را قبول ندارد. خمینی فقط به قوانین خودش پای بند است هرگاه قوانین بین المللی در جهت مصالح وی بوده و منافسع او را در بر داشته باشد می پذیرد اما اگر آن مقررات خلاف مصالح او باشد شارد میکند. و بسا زمانهای بین المللی ما نند شورای امنیت - حقوق بشر و سازمانهای دیگر حمله میکند قوانین و معیارهای بین المللی و حقوق بشر و اصول اخلاقی را مورد توهین قرار میدهد. به عقیده من حضور نیروهای دریائی آمریکا و بریتانیا و فرانسه نمیتوانند

احتمالا" بر خمینی فشا رها ئی وارد کرده و او را برای مذاکره و ختم جنگ خونین با عراق بکشا ند و اگر ایجا بکندا عزام نیروهای نظامی سازمان ملل برای اجرای قطعنامه وی پان جنگ.

اصرا خمینی در ابتدا برای ادا مه جنگ و ایجا دبحران در خلیج (فارس)، بمنظور صدور انقلاب به عراق و سپس به ترکیه و دول دیگر خلیج (فارس) و آزادجا به سایر کشورهای عربی و اسلامی بود. این دولتها با یستی همزمان و یک جا وی را محکوم کرده و انقلابش را مها رکنند من شخصا" معتقدم تصمیماتی که اخیرا" اعرا بدر تونس اتخاذ کردند به تنهایی کافئی نیست و با یستی همه کشورهای عربی متفقا" به خمینی "نه" بگویند زیرا تصمیمات و موقعیت ممالک عربی نیز کشورهای بزرگ را متوجه تفکر جدی و فشار بر خمینی خواهد نمود تا به جنگ و خونریزی در کشورهای همسایه ختم دهد.

در تحلیل وضع اقتصادی و سیاسی و اجتماعی موجودا ایران، شاپور بختیار گفت:

رژیم خمینی از آن دسته رژیمهای نادر است که کوچکترین ارزشی برای آزادی و حقوق بشر و پیشرفت اقتصادی و احترام به بیمان ها و مقررات بین المللی قائل نیست و موجب هراس جها نیان شده آنچه امروز در ایران و در این کشور بزرگ باستانی میگذرد باعث شده به ایران نیا ن بنگرند، در گذشته تنها ۴ یا ۵ کشور برای ورود زائران ویزا میخواستند حال توجه کنید چگونه قضیه معکوس شده است. البته این به آن معنی نیست که در آن زمان فساد و شکنجه نبود اما آنچه در سابق گذشت با آنچه در رژیم خمینی می گذرد قایل مقایسه هم نیست.

اها نت به آمریکا و احتمالا" شوروی و فرانسه و دشمنی و توطئه نسبت به کویت و تونس و مصر و مراکش و سعودی و غیره از خصوصیات این رژیم است. در حقیقت وضع اقتصادی و مالی و اجتماعی و امنیت از جمله موری است که رژیم

توجهی به آن نداد و تا استمرار جنگ این مسائل نیز باقی خواهد بود و عاقلانه نیست اگر بگوئیم در آتی نزدیک وضع بهبود خواهد یافت. اما بی شک ملت ایران از این گرفتاری و نا بسا مانی خلاص و رژیم خمینی نا بود خواهد شد و مثل شرو لعینت و پویائی است که به پان پان میرسد اما پس از دهها هزار رگشته ز طرفین، البته عراق هم زهرهایی دیده اما زهرهای ایران زیادتر و کشته ها و تلفات افزون تر بوده است. نقشنا درستی که خمینی از ایران حقیقی به دنیا نشان داده و حشتناک است. در جواب سؤال پیرامون وضع مخالفین و قدرت آنان در آزاد سازی کشور شاپور بختیار گفت:

صریحا" می گویم غرب اوضاع را مسموم کرده است. همه کشورهای غربی و برخی دول دیگر خمینی را بنا موحشی حقیقی شناخته اند اما با وی دوستد میکنند. رسوائی ایران کیت هنوز ادامه دارد، معالمتشان - وارد کردن نفت برای

منا یح خود بدون توجه به مصالح ملت ما است. اگر، هما نظور که ز هفت سال پیش گفتم، غرب با خمینی ورژیم و مدرا نمی کرد، مخالفان مبارزان رژیم را برانداخته بودند.

روزنا ما المدینه در سقا له خود، بسا اشاره به مصاحبه مذکور می نویسد: حوادث و دگرگونی ها جای شک و تردید باقی نگذا رده که رژیم خمینی در تهران مخالف عموم اعرا اسلامی و عربی و ایرانی است. در ملاقات با غالب ایرانی ها چنین نتیجه حاصل شده که با مرگ و آزاد رورنج مواجه هستند همان گونه که در گفتار آقای شاپور بختیار - شخصی که تصدی مقامی عالی را در کشور داشته - عنوان گردیده رژیم تهران اهداف توسعه طلبانه و استعمارگرانه پوچ خود را از طریق برنامهای خرابکاری به کشورهای اسلامی روانه میکند - رهبران تهران از دست زدن به اعمال احمقانه و خطرناک و کشاندن آن در مراسم حج نیز خودداری نمی کنند با ضا قه از جنگ با کشور مسلمان و ایجا دبحران در منطقه خلیج (فارس) و تهدید به گسترش عملیات خصمانه و عرضه کردن فلاکت و گرسنگی و ترس و حرمان به ملت ایران مضایقه ای ندارند.

اثرات تند رویهای خمینی موجب شد تا سازمانهای جهانی در برابر بروی جبهه گیری نموده و مباردت به تصمیمات و تدابیر احتیاطی نمایند هما نگونه که کشورهای عرب نسبت به قطعنامه شورای امنیت مبنی بر پان پان جنگ در قبال ایران مجبور به اتخاذ تصمیماتی گردیدند.

درخواست اشتراک

بهای اشتراک: پان ساله ۲۴۰ فرانک فرانسه -

شش ماه ۱۲۰ فرانک فرانسه -

دانشجویان نصف قیمت

اینجا شب (نام و نام خانوادگی) - فارسی و به حروف لاتین (نام خانوادگی): Nom

نام: Prénom

آدرس: Adresse:

تاریخ: امنا

شماره حساب پستی:

QYAM IRAN
C.C.P No: 2400118/E
PARIS

شماره حساب بانکی:

QYAM IRAN
Crédit du Nord
78, Rue de la Tour
75116 Paris
Compte No: 11624700200

توجه لازم

تمنا دارد تقاضای اشتراک را به آدرسی که به آدرس حساب پستی یا بانکی فرستاده شود، بدست ما نمی رسد.

دکتر محمد مصدق

در دادگاه

تجدید نظر نظامی

بقیه از صفحه ۹

بدا بند که ملت ایران تگران این محاکمه است زیرا خوب می دانند که مینا و متنا محکومیت و با برائت مسکن در کیفیت مشروطه ای که می خواهد برای ملت قائل شود مو شراست و در هر حال من در تمام عمر و تمام دوران و چند ماه حکومت خود جز در راه خدمت به مملکت و تاء من صلاح ملت و شخص یا دتا ه قدیمی بر ندا شته و عملی انجام ندادا م (عرا بی من تمام مند). ساعت ۱۸/۴۰ جلسه تمام شد و جلسه آینده به روز بعد ساعت ۸ صبح موكول شد.

- ۱ - در اینجا منظور عقبا فتا دگی و فقر و محرومیت فکری است.
- ۲ - در افواه شایع بود که غرض از د: دره، قاضی دیوان کشور، پ، پیرا شده استان سابق تهران، ع، عمیدی نوری معاون نخست وزیر (سپید زاهدی) تنظیم کنندگان کفرخواست و لوایح و آراء بوده اند. بعدا "نفرا خیر تمامینده دوره هجدهم مجلس شورای ملی شد علیه دکتر مصدق و پان شرا نیز اعلام جرم کرد.
- ۳ - مقصود شعبان جعفری معروف به بی محاسنت که در خیابان شمالی بارک شهردر دیف وزارت آبادانی و مسکن زورخانه ای داشت که در آن ورزش های باستانی انجام می شد و در دوران محمدرضا شادکی از مراکزی بود که موزنبا زدید مهمانان خارجی قرار می گرفت.

بقیه از صفحه ۱

اشرافی، هنگامی که خانی با هفت قلم آرایش، دست خود را در دست شخصیت بلند مرتبه‌یی می‌گذاشت تا با هم "والس" برقصند و درست در همین وقت یکی از آن کیک‌های موقع نشنا سبزه‌زیبر دا من خانرا پیدا میکرد چه فضا حتی به با رمی آورد و چگونه "ریتم" رقص خانرا تغییر میداد. این بود که مسد- سا زان آن دوره، برای دفع شر کیک‌ها، نوعی جفت وبست فلزی ابداع کردند که خانرا، در زیر لباس، به کمرشان می‌بستند و کیکه کوچکی محتوی بعضی ادویه‌بدها را می‌آویختند که بوی آن کیک‌ها را فراری میداد.

باری، در عهد صدراعظم حاجی میرزا آقاسی، شخصی که از هند آمده و منسوجات و مصنوعات هندی با خود به ایران آورده بود برای پیدا کردن مشتری، طبعاً "بسراغ" بزرگان می‌رفت، از جمله وسائلی فراهم ساخت و به حضور صدراعظم رسید و او متعجب بود که او را عرضه کرد، حاجی که اهل زرق و برق و تجملات نبود عذرخواست و گفت اینها هیچکدام به کار من نمی‌آید ولی چون از دست کیک‌ها در غذا بم‌اجمالا "اگر" دارویی برای دفع کیک در هندیا هرجای دیگری پیدا شود حاضرم قیمت خوبی برای آن بپردازم.

مردک گفت اتفاقاً "داروی خیلی مؤثری سراغ دارم که در فلان ایالت هند، اطباء برای فلان مہاراجه‌ها ساخته‌اند و لسی ترکیبات آن بسیار کمیاب و در نتیجه بسیار گران است. اگر آئی مبارک قرار بگیرد میلیی مرحمت فرمائید تا این بار که به هندی روم تهیه کنم و بعضی بیاورم. حاجی موافقت کرد و پولی به او داد و آن شخص رفت و یکی دو سال بعد با زنگش و داروئی را که ما نندسرمه در سرمه‌دانی ریخته بود با خود آورد و شرح کشفی هم در خواص داروئی که با چه زحمت و موارتی موفق به تهیه آن شده است برای حاجی بیان کرد.

حاجی تشکر کرد و با وجود ناخن خشکی، انعام خوبی هم به حریف داد و پرسید: حال این دارو را چگونه باید مصرف کنم؟

شرعی یا ارضی؟

مرد گفت: سهل است. باید کیک را بگیرد و میانه دو انگشت نگاه دارد و با نوک قلمی که در سرمه‌دان هست اندکی از دارو در چشم حشره بریزد و دورها بیست کند، کیک بدین ترتیب مقلوع لئسل میشود و ضمناً "خودش هم دیگر قدرت نیش زدن نخواهد داشت.

مرد گفت: سهل است. باید کیک را بگیرد و میانه دو انگشت نگاه دارد و با نوک قلمی که در سرمه‌دان هست اندکی از دارو در چشم حشره بریزد و دورها بیست کند، کیک بدین ترتیب مقلوع لئسل میشود و ضمناً "خودش هم دیگر قدرت نیش زدن نخواهد داشت.



وزیر برنا می‌بود چه جمهوری اسلامی که به اراک سفر کرده بود ضمن گفت و گویی اظهار داشت: دولت بمنظور تشبیه قیمت‌ها و مهار تورم و تاء میس کالاهای اساسی دو میلیار دوینجگاه میلیون دلار اعتبار ارضی تاء مین کرد با این خبر معلوم شد آن دارو معجزه آسایی که حضرت امام برای رفع کمبودها و جلوگیری از گرانی روزافزون کالاهای مصرفی در اختیار دولت قرار داده اند نیش و نه ارضی است نه پشوانه شرعی.

حاجی گفت اگر کیک بدست من بیفتد آن را چنان لای انگشتانم فشار میدهم که له شود و می‌میرد، دیگر چه لازم است که دارو در چشمش بریزم؟
مرد گفت: بلی، ممکن است ۱۰۰ ما آن قسم مبارزه با کیک صورت صحیح علمی ندارد! بعد از آن که دستخط مبارک حضرت امام شرف صدور یافت و در امر مبارزه با گرانفروشی به دولت اختیار داده شد که قاطعانه عمل کنند و "تغزیر حکومتی" بهره بگیرند و نخست وزیر وزیر بزرگان در مهابه‌های جداگانه از "پشتوانه شرعی" مبارزه با گرانفروشی سخن گفتند و "عظمت مسئولیتی را که بر اثر تفویض این اختیارات، متوجه دولت شده است" یادآور شدند و اعلام داشتند

ما بر استی حیران بودیم که این نمایشنا مه‌جدید مبارزه با گرانسی و گرانفروشی دیگر چه کلکی است و چه طور دولت جرات میکند با چنین قاطعیتی

حکومتی که با شورش همگانی بقدرت رسید، اکنون در برابر این مشکل لاینحل قرار گرفته است که باید بدون مردم و به رغم آنان حکومت کند. در چنین حالتی طبعاً "دوام حکومت بیسش از همیشه در معرض پرسش‌ها و تردیدها قرار می‌گیرد. این تردید در سر سراجا معسه وجود دارد، و به نحوی برگشتنا پذیرد ارد درستگاه حکومتی و نهادهای دیگر رژیم اسلامی سزایت می‌کند.
موج‌نا مبرده نیرومندتر از آن است که اندرزهای منتظری بتوانند سدی در برابر آن ایجا دکنند.

خوبی به صلوب

بقیه از صفحه ۳

بتا زکی آیت الله منتظری به مناسبتی- یایی مناسبتی - گفته بود که پاسداران نباید در دام این تلقین بیفتند که رژیم دوا می‌خواهد داشت. ولی همه پاسداران ظاهراً "علاقه‌ای ندارند که طعم رهبر بودن را به آیت الله منتظری بچشانند. و این در حالی است که نزدیکان دیگر خمینی حتی نمی‌گذارند که او از ولیعهدی خود نیز با خیال آسوده‌کا م‌بگیرد.

حکومت کردن، به رغم خواست مردم، در هیچ کشوری و برای هیچکس آسان نیست. بخصوص در کشوری چون ایران و برای کسانی که در حال با با لگرفتن موج خیزان شورش همگانی بقدرت رسیده‌اند.

به مردم اطمینان بدهد فرمان حضرت امام و اجازت استفاده از "تغزیر حکومتی" موجب فراوانی و ارزانی کالاهای مصرفی خواهد شد.

اینجا پیش‌را بینی و بین الله نخواهنده بودیم که تمام این قبیل و قال، با مبولی است برای جلوه‌گر ساختن شعبده بصورت معجزه.

داستان به همین سادگی است که وزیر برنا می‌بود چه - یقیناً! "زروی بی توجی - افشاء میکند. یعنی به حضرت امام گزارش میدهند که مملکت در آستانه قحطی است و فشار تورم و گرانی به مرحله خطرناکی رسیده است و اگر چاره فوری نشود کارها انفجار خواهد کرد. ایشان هم اجازت فرموده اند فوراً "دو میلیار دوینجگاه میلیون دلار از ذخائر ارضی کشور بردارند و گوشت و برنج و کسره و آرد و نخود و لوبیا بخرند و وارد کنند تا عجلتاً "نان و آبگوشت بخورند و نمیراز گلوئی مردم بریده نشود و سربه شورش برنندارند.

این تصمیم را البته حکومتی که بنای کار آن بر شعبده بازی و فریبکاری است نمی‌خواست به همین صورت اعلام کند. از این رونما بشنا م‌صدور فرمان و دادن اختیارات و تجویز تغزیر حکومتی را ترتیب دادند و آن سروصداها را بر راه انداختند تا پس از آن که خریدها انجام گرفت و کالاهای بی‌کفایت دلار نقد خریداری میشود و ارشد، مردم با ورکنند با ردیگر امام معجزه کرده و مداخله‌های غیبی ظاهر شده است.

لابد چالا که روغنی زنجانی ناشیگری کرده و بند را به آداب داده است، دولت مکتبی خواهد گفت آری، درست است که با دو میلیار دوینجگاه میلیون دلار همیشه و در هر شرایطی میتوان از زهرگوشه دنیا کالا خرید و وارد کرد و احتیاجات جاری را جواب گفت ولی این خریدها در صورتی که پشتوانه شرعی نمی‌داشت مساءله گرانسی و کمیا بی را حل نمی‌کرد!



تورن هفته‌ای که گذشت

بقیه از صفحه ۷

نا پذیر میدادند و این قطعنا مه‌باید در تمامیت آن اجرا شود.

یکشنبه ۲۲ شهریور

هفته‌نا مه‌بزرور چا پ لندن، فاش کرد که در ماه گذشته مذاکرات محرمانه‌ای در اروپا میان جمهوری اسلامی و اسرائیل صورت گرفته است. رژیم تهران در این مذاکرات پیشنهاد کرده است در مقابل کمک‌های نظامی اسرائیل به جمهوری اسلامی با مهارت ۲۵ هزار کلیمی ایرانی به اسرائیل موافقت کند. به نوشته "البزور" از جانب جمهوری اسلامی احمد خمینی سرپرستی این مذاکرات را بر عهده داشته است.

نشانی:
 QYAM IRAN
 C/O C. B.
 17, bd RASPAIL
 75007 PARIS
 FRANCE

ایران هرگز نخواهد مرد